

بن‌مایه‌های محیطی و منظرین:

انگیزه توسعه گردشگری روستایی

چکیده | مقاله حاضر با طرح چگونگی تحقق امر گردشگری در روستاها به دنبال انگیزشی است که در خور موضوع و متناسب با مسایل واقعی جاری در یک محیط روستایی باشد. در این راستا ابتدا به معرفی ابعاد و ظرفیت‌های محیطی یک روستا پرداخته شده است تا از این منظر امکان فراخوانده شدن روستا به عنوان یک زمینه مناسب جهت بازدید و گردش به نحوی توجیه شود. در ادامه موضوع گردشگری به مثابه یک تجربه خودآگاه در محیط ناخودآگاه روستا با ماهیت ویژه‌ای معرفی می‌شود که حاکی از شیوه‌ای تازه در مواجهه با یک محیط روستایی است؛ در این خصوص تلاش می‌شود تجربه‌ای شکل گیرد تا اثرات این تضاد دوسویه را به نحوی شایسته با فراهم کردن امکان تحقق هر دو واقعیت به سازگاری مطلوب سوق دهد. در این رویکرد آنچه مورد تأکید و اهمیت بوده طرح پرسشی خودآگاه از آموزه‌های محیطی ناخودآگاه است که می‌تواند پاسخی مناسب در تناظر با مسایل امروز قلمداد شود. در نتیجه تجربه مذکور تا حدود زیادی به درک شایسته از جوهره هر آنچه در روستا رخ می‌دهد و فهم بن‌مایه‌های تشکیل دهنده آن وابسته است.



رضاسامه، دکتری
معماری، عضو هیئت
علمی گروه معماری،
دانشگاه بین‌المللی
امام خمینی (ره) قزوین

rsameh@arc.ikiu.ac.ir



آسیه سامه، پژوهشگر
دکتری معماری،
دانشگاه هنر اصفهان

asiehsameh@aol.com

واژگان کلیدی | روستا، گردشگری روستایی، محیط، محیط ناخودآگاه.

تصویر: چشم‌اندازی از محیط روستای نشتیفان،
استان خراسان رضوی، مأخذ: آرشیو سفر
دانشجویی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

Pic1: a View of Nashtifan Village, Khorasan
Razavi Province, Iran, University of Tehran:
Student Travel, 2006.



گوناگون جهت سازگاری با آثار به جا مانده از آن تمدن ناخودآگاه، متوجه بهره‌گیری از سرمشق‌هایی باشیم تا ما را از این همه سردرگمی در مواجهه شدن با مسایل امروز برهاند و راه را بر بسیاری از دشواری‌های ممکن هموار سازد.

آنچه در این مقاله از آن به عنوان نظامی از تمدن ناخودآگاه یاد می‌شود، نمونه‌ای از محیط انسان‌ساخت در قالب آبادیست که به حق، تجلیات چنین نظامی در کالبد آن مشهود است و آنچه به عنوان مظهری از توجهات خودآگاه امروزیین بشر نسبت به گذشته خویش، قصد انطباق با آن بستر ناخودآگاه را دارد، کیفیتی از گردش در محیط روستا است که به شکل رایج در آن هیچ‌گاه سابقه نداشته، اما تجربه‌پذیر است. بنابراین تمرکز این بحث به طرح گونه‌ای از گردشگری است که علی‌رغم تفاوت با شیوه‌های رایج، ما را به تأمل در بن‌مایه‌های محیطی و منظرین آن فرامی‌خواند. البته در اینجا خود گردش اصل نیست که گردشگری موضوع اصلی شود، بلکه هدف تجربه‌ای است که فهم تازه‌ای از ماهیت روستا را ممکن می‌سازد و البته پرداختن به تجربه‌ای چنین آگاهانه در محیطی ناخودآگاه، تنها زمانی مطلوب و میسر خواهد بود که بسیاری از مسایل مربوط به اثرات ناشی از این تمایل به برقراری ارتباط، از پیش اندیشیده شده باشد. عمده این مسایل متوقف بر مفاهیم بنیادینی است که ماهیت واقعی یک روستا را در گرو فهم آنها روشن می‌سازند و از این راه انگیزشی تازه در افراد برای رجوع به محیط‌های روستایی ایجاد می‌کنند. بنیادی‌ترین این مفاهیم عبارتند از (سامه، ۱۳۸۵):

مقدمه | بی‌شک سرآغاز هر تصمیمی با هدف توسعه در محیط‌های سکونتی انسان نظیر یک روستا، نیازمند درک نسبتاً مناسبی از ماهیت و وضعیت آن است. اتخاذ هر موضعی در این خصوص باید درخور مسایل واقعی جاری در آن شکل گیرد و تبیین چنین مسایلی، بسته به انگیزه‌هایی است که زمینه را برای هرگونه اقدامی فراهم می‌سازند. در این مجال اگر بخواهیم ظرفیت‌های یک محیط روستایی را برای تحقق امر گردشگری بررسی کنیم، بدیهی است هر شیوه برخوردی را نمی‌توان برای آن مناسب قلمداد کرد؛ زیرا ابهام ناشی از تجربیات و تصورات نادرست حاصل از اندیشه‌های رایج در این حوزه، حاکی از آن است که مشکلات در این بخش، همچنان به قوت خود باقی مانده و شایسته است توجهات در وهله نخست به دامنه همان انگیزه‌ها معطوف شود که توافق بر سر آنها، راهگشای ورود به این عرصه خطیر باشد.

نیک می‌دانیم محیط‌های روستایی امروزه دیگر آن ماهیت و هویت پیشین را احصاء نمی‌کنند و تنها به مثابه نقاط جغرافیایی شناخته شده‌ای هستند که نامشان ثبت است، متولی دارند و خدمات به آنها ارایه می‌شود؛ هرچند این اقبال با برخی از آنان بوده که یا به دلیل دورافتادگی یا کم‌توجهی نظام خودآگاه دولتی، هنوز به زندگی بومی خود تداوم بخشیده‌اند در این میان نیاز به فهم آموزه‌های معمارانه تمدن ناخودآگاه بشری در شرایطی ویژه از وضع کنونی که نظامی خودآگاه از جریانات را پیش رو دارد، ما را بر آن می‌دارد تا با دغدغه بهبود اقدامات ناشی از این تمدن خودآگاه با عملکردهای

روستا بستری به جای مانده از گذشته است. این بستر که در گردشگری روستایی به عنوان انگیزه‌ای برای حضور در روستا مورد بازدید و توجه قرار می‌گیرد، در عمل محلی برای ارجاع انسان به ضمیر ناخودآگاه اوست؛ ضمیری که محل پذیرش و نگهداری تجربیات اعصار گذشته است، اما نیاز به حضور انتخابی ضمیر خودآگاه در محیطی برخوردار دارد. گردشگری روستایی محلی برای مواجهه این دو ضمیر برای در معرض قرار دادن ضمیر ناخودآگاه است و پتانسیلی مهم برای تقویت فرهنگ بومی یک سرزمین به شمار می‌رود.

مفهوم محیط^۱ و ابعاد آن

واژه «محیط» آن قدر مورد استفاده قرار می‌گیرد که گویی مفهوم آن برای همگان واضح و آشکار است. گاهی محیط به اشتباه جایگزین طبیعت شده و گاهی با تعبیر مشابه فضای پیرامون از آن یاد می‌شود. اما آنچه حقیقتاً در شناختی ملموس از محیط، ذهن را یاری می‌رساند، مقاصد ویژه‌ای است که از آن انتظار می‌رود. بر پایه چنین مقاصدی است که بخش‌هایی از زندگی خویش را در قالب مشخصه‌هایی از مفهوم محیط قابل درک می‌دانیم. بنابراین در جهت شناخت گوناگونی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری زندگی انسان و نیز تمایز و شناخت ابعاد مختلف جهان پیرامون خویش (جهان واقعی، حقیقی، عینی، پدیده‌ای و...) ناگزیر به تقسیم‌بندی محیط می‌پردازیم (لنگ، ۱۳۹۳). مناسب‌ترین تقسیمات، همان تقسیم‌بندی بر مبنای واقعیات نظام هستی، یعنی طبیعت، انسان و تعامل آن دو است:

محیط طبیعی^۲ و منظر بومی آن

طبیعت به عنوان نخستین آموزگار انسان، مهم‌ترین منبع تشکیل‌دهنده شناخت وی به شمار می‌رود. طبیعت با منظر بومی که از خود در اختیار انسان قرار می‌دهد، وی را در شکل‌گیری نخستین دریافته‌ها و تجربیاتش یاری می‌رساند. البته بوم، مفهومی جامع‌تر از محیط است و صفت بومی معمولاً به مواردی اطلاق می‌شود که به یک محیط خاص تعلق دارند. بنابراین انتخاب و چگونگی برخورد با مسایل و گزینش‌های خاص هر محیط با استفاده از امکانات طبیعی همان محیط، مهم‌ترین اصل در تبیین مفهوم بوم خواهد بود. لذا می‌توان بوم را کیفیتی از محیط طبیعی با امکانات و قابلیت‌های منحصر به خود دانست که نه تنها تمام ابعاد در مورد آن صدق می‌کند، بلکه به حفظ و معرفی شناسه‌ها و هویت وجودی خود اصرار می‌ورزد.

محیط انسانی^۳ و منظر فرهنگی آن

انسان به خودی خود در ابعاد درونی، عالم کبیر را شامل می‌شود؛ اما آنچه در این مقوله تحت عنوان محیط از آن یاد می‌شود، مربوط به ابعاد بیرونی انسان و اثرات حضور وی در عالم خارج است. انسان پس از حضور و جای‌گیری در طبیعت، محیطی را وابسته به آن فراهم می‌کند تا نیازهایش را بهتر از انواع طبیعی تأمین کند و اصطلاحاً آن را «قابل سکونت» سازد. در این محیط انسان‌های دیگر نیز حضور می‌یابند و شخص در ارتباط با آنها، بر زندگی خویش کنترل قابل توجهی از خود نشان می‌دهد. محیط انسانی، پدیدآورنده منظر اجتماعی و فرهنگی هر تمدنی است که انتقال سنت‌ها و ارزش‌ها را از نسلی به نسل دیگر ممکن می‌سازد. تاریخ به عنوان دومین آموزگار بشر، نتیجه چنین محیطی است.

محیط انسان‌ساخت^۴ و منظر کالبدی آن

مجموعه‌ای از انطباق‌پذیری‌ها که انسان با دو محیط طبیعی و انسانی ایجاد می‌کند، محیط مصنوع یا انسان‌ساخت را شکل می‌دهند. این محیط نتیجه تغییر شرایط در محیط طبیعی از سوی انسان است که برای تأمین فعالیت‌ها، نیازها، تجربیات جدید و پاس‌خگویی مناسب برای هر یک از آنها لازم است. در این میان منظر کالبدی نیز نمود

تصویر ۲: زندگی ناخودآگاه در روستا، روستای نشتیفان، مآخذ: آرشیو سفر دانشجویی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

Pic2: Unconscious Life, Nashtifan Village, University of Tehran: Student Travel, 2006.



تصویر ۲
Pic2



تصویر ۳: بازدید خودآگاه به روستا، روستای نشتیفان، مأخذ: آرشیو سفر دانشجویی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

Pic3: Conscious Visit, Nashtifan Village, University of Tehran: Student Travel, 2006.

حضور انسان در طبیعت و تجلی آن از روی آثار، تغییرات و برنامه‌ریزی انسانی است که در مقیاس‌های مختلف، شامل آثار تمدنی در قالب بافت کالبدی و گونه‌های معماری است.

روستا^۳ به مثابه یک محیط و منظر تحقق‌نخستین شکل محیط انسان‌ساخت در قالب پیوندی پر معنا میان انسان و طبیعت را می‌توان در مفهوم «آبادی» (روستا) جستجو کرد. آبادی ناب‌ترین صحنه رخداد سکونت طبیعی انسان در راستای هویت‌یافتن و به مکانی احساس‌تعلق‌داشتن است (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۷). انسان از طریق «آبادی‌گزیدن» (محیطی را در یک منظر محدود کردن) موقعیت خویش را در محیط طبیعی تثبیت می‌کند و با تکیه بر آن، به مبادله اندیشه‌ها، احساسات و فرهنگ خویش با هم‌نوعان خود می‌پردازد. روستا در بستر خود، یک مرکز را نیز شامل می‌شود؛ مکانی که در آن زمین و آسمان برای آفرینش کلیتی پرچنده، در یکدیگر نفوذ کرده باشند. این مرکز با افشاء و پدیده‌آوری کیفیاتی که در لحظه حضور دارند، کانونی جهت تجلی حضور انسان در طبیعت برای ارایه یک منظر کالبدی را تشکیل می‌دهد. برای اینکه یک روستا بتواند در این سطح ظاهر شود، باید متناسب با دورنما، بر پیکره پیرامونش چیره شود. این همان کیفیت است که شاید امکان فراخوانده شدن روستا تحت عنوان یک مقصد برای بازدید و گردش خودآگاه را فراهم می‌سازد (تصویر ۱).

گردشگری روستایی به مثابه تجربه‌ای خودآگاه در یک محیط ناخودآگاه

خودآگاهی روندی است که به تبع پیدایش مفاهیم و نگرش‌های تازه در میان بشر، به عرصه زندگی امروز وارد شده است و تقریباً تمامی تصمیمات و اعمال ما را در سیطره خویش دارد. این خودآگاهی به مفهوم ناآگاهی بشر از خود تا پیش از این نیست، بلکه بدان معناست که امروز آدمی تا حد زیادی توجه آدمی به امور خویش افزایش یافته است؛ لذا خودآگاهی ریشه در حالاتی دارد که تمایل انسان را در کیفیت مواجهه شدن با مسایل شکل می‌دهند. تلاش در جهت بررسی جامع مسایل، برنامه‌ریزی آگاهانه امور، وضع قوانین اثباتی، صریح و روشن تا جایی که ابهامی باقی نماند و سعی بر آموختن رسمی اصول کلی با سرعت بیشتر، نمود چنین حالاتی است.

در چنین وضعی آنچه مورد تأمل است، همان گردش خودآگاه در محیطی است که روزی هویت خویش را از تجربیات ناخودآگاه یافته بود و اکنون در تهاجم توجهات است. تمایل به چنین تجربه‌گردشی با انگیزه‌های مختلف در اثر بالا رفتن سطح درآمد، افزایش اوقات فراغت و ضرورت‌های تماس فراملی و فراقومی، همه‌وهمه ایجاب آن را تشدید کرده‌اند. در دوران معاصر این امر به یک واقعیت مهم خودآگاه تبدیل شده و تقریباً جنبه‌ای آموزشی نیز یافته است و گاه پاسخی به نیاز فطری و جستجوگرانه هر انسان در مورد حقایق هستی، زندگی طبیعی و نیز آشنایی با فرهنگ‌های مختلف تلقی می‌شود. بدیهی است هرچه انسان از معیارهای باب طبع زمانه دور شود، به خود نزدیک‌تر می‌شود (فلامکی، ۱۳۶۵). این امر سفری را ایجاب می‌کند، هم در آفاق و هم در انفس. گویی این حق همگان است تا به سادگی با رجوع به طبیعت در آغوش آن به عنوان مکانی مناسب برای اندیشیدن (سیر در

انفس) و توجه به وجود انواع زندگی بومی در گوشه کنارهای دورافتاده در قالب روستاها (سیر در آفاق)، از مواهب خدادادی سایر سرزمین‌ها نیز برخوردار باشند. از سویی توصیف ظواهر بی‌ربط یا عوامانه به آنچه به واقع در مظاهر معماری بومی در روستاها در جریان بوده و عدم پیگیری پژوهش‌های جدی و عمیق در باب این موضوعات، به فضایی پرابهام همراه با نظریاتی ابتدایی انجامیده است؛ به طوری که هنوز مشخص نیست آیا گردشگری روستایی که امروزه به عنوان یکی از راهبردهای ویژه توسعه مطرح می‌شود، اساساً مجاز است یا خیر؛ زیرا فرض اساسی این است که محیط روستا، موزه میراث فرهنگی یا یک تفرجگاه عمومی نیست؛ بلکه محیط زندگی انسان‌هایی است که بر فطرت خویش استوارتر باقی مانده‌اند. لذا چنین به نظر می‌رسد که توجه به فرهنگ بومی و روستایی با تمام نشانه‌های آن به ویژه در آثار معماری، هنگامی میسر و مساعد خواهد بود که همه مسایل دردناک تنازع بقا، فقر و شرایط مناسب حیات برطرف شده باشند؛ چراکه نمی‌توان چنین توجهاتی خودآگاه را بر پایه بدیهی‌ترین سهم انسان‌ها از حیات ناخودآگاه خویش در محیط زندگی‌شان بنا نهاد و همین توجهات خودآگاه جریان‌ی از ناسازگاری‌ها را به دنبال خواهد داشت که به تأمل بسیار جهت کاهش اثرات آن نیازمند است. بنابراین باید چاره‌ای اندیشید تا اثرات این تضاد دوسویه (پارادوکس) را به نحوی شایسته با فراهم کردن امکان تحقق هر دو واقعیت از طریق رویکردی مناسب به سازگاری مطلوب سوق داد و در این رویکرد، گردشگری به طور مستقیم موضوعیت نداشته و آنچه مورد تأکید و اهمیت است، طرح پرسشی خودآگاه از آموزه‌های محیطی ناخودآگاه است که می‌تواند پاسخی مناسب در تناظر با مسایل امروز قلمداد شود (تصاویر ۲ و ۳).



تصویر ۴
Pic4

تجربیات گذشته‌اش به سر می‌برد. لذا باید قادر باشد به نحوی آثار پیشین را بخواند تا پیوستگی خود را با گذشته خویش بازیابد و بازشناسد (معماریان، ۱۳۸۴). پرواضح است آنچه امروز با انگیزه‌ای جدید به عنوان گردشگری روستایی تجربه می‌شود، در بستری از آنچه از گذشته به ارث رسیده است، انجام می‌گیرد. انسان امروز ضمن برخورداری آگاهانه از امکانات پیش‌رو، باید میراث‌دار تجربیات گذشته نیز باشد و این میراث‌داری که تنها در ضمیر ناخودآگاه جاری می‌شود، به معنای پیوستگی و عمل در یک بستر فرهنگی موجود است. یکی از تدابیر مهم در جهت غلبه بر گسستگی فرهنگی، بهره‌گیری از ضمیر ناخودآگاه در نحوه آموزش و انتقال مفاهیم است و این امر تنها در قالب شناخت و بهره‌گیری از آموزه‌های گذشته تحت عنوان سرمشق‌های بومی، میسر می‌شد که این خود می‌تواند مهم‌ترین انگیزه در مراجعه به روستاها به بهانه گردش و بازدی به حساب آید. از این رو لازم است در بستر بومی خود نسبت به این آموزه‌ها توجه لازم و کافی به عمل آید تا هرگونه توجیهی در راستای بهره‌مندی از آنها در زندگی افراد صورت پذیرد. این امر تا حدود زیادی به درک شایسته از جوهره هر آنچه در روستا رخ می‌دهد و فهم عمیق بن‌مایه‌های تشکیلی دهنده آن وابسته است (تصویر ۴).

تصویر ۴: آسبادهای روستای نشتیفان، استان خراسان رضوی، مأخذ: آرشیو سفر دانشجویی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

Pic4: The Windmills of Nashtifan Village, Razavi Khorasan Province, Iran, University of Tehran: Student Travel, 2006.

جمع‌بندی | هدف از آبادی‌گزیدن، گردآوری جهان پیرامون در یک مرکز است تا انسان را به تأمل دعوت کند. هنگام عزیمت به روستا و گردش در آن، نه مکانی متفاوت، بلکه جایی که محیط در آن به توضیح درآمده است را احساس خواهیم کرد. ما انسان‌ها روستاها را به عنوان هدف گردش برمی‌گزینیم تا ارتباطی تنگاتنگ با پهنه محیط قرارگیری آبادی فراهم آید. این ارتباط دال بر محترم‌شمردن مکانی مفروض از جانب انسان و عهد او به نگهداری از آن است. نگهداری تنها به معنی حفاظت و نگاه‌داشتن چیزها به حال خود یا نگهداشت خاطره‌ها در ذهن نیست، بلکه همراه با آشکارکردن و پروراندن قابلیت‌ها است. در این راستا، ضمیر ناخودآگاه انسان که محل پذیرش و نگهداری تجربیات اعصار گذشته است، قدرت آن را دارد که بدون هیچ راهنمایی خارجی، او را به مقصد مورد نظر هدایت کند. در وهله نخست، طبیعت و سپس منظر فرهنگی، آموزه‌های مربوط به فهم یک محیط را به ضمیر ناخودآگاه انسان انتقال می‌دهند و در ضمن ضمیر ناخودآگاه قدرت انتخاب و دخالت در آن محیط را به انسان می‌دهد. و یکی از علل بروز بحران‌های امروز نیز دخالت بیش از حد این خودآگاهی در امور است؛ به طوری که محصول آن گسستگی است. بشر امروز در دوره‌ای کاملاً گسسته از

بی‌نوشت

Environment . ۱
natural environment . ۲
human environment . ۳
built environment . ۴
rural settlement . ۵

فهرست منابع

Reference list

- Falamaki, M. (1986). Vernacular architecture. Tehran: Scientific and Cultural Organization Institute for Space.
- Lang, J. (2014). Creating Architectural Theory. Translate: Alireza Eynifar. Tehran: University of Tehran.
- Memarian, GH. (2005). Seyri Dar Mabani-ye Nazari-ye Memari [A Survey of the Theoretical Architecture]. Tehran: Soroush-E Danesh Publications.
- Norberg-Shulz, Ch. (2008). The Concept of Dwelling: On the Way to Figurative Architecture. .Translate: Mahmood AmirYarahmadi. Tehran: Agah Publications.
- Sameh, R. (2006). Pattern language, Design paradigm. Master Dissertation in Architecture, Tehran: University of Tehran.

- عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۴). سیری در مبانی نظری معماری. تهران: انتشارات سروش دانش.
- نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۸۷). مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی. ترجمه: محمود امیریاراحمدی. تهران: انتشارات آگه.

- سامه، رضا. (۱۳۸۵). زبان الگو، سرمشق طراحی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری. تهران: دانشگاه تهران.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۶۵). معماری بومی. تهران: موسسه علمی و فرهنگی فضا.
- لنگ، جان. (۱۳۹۳). آفرینش نظریه معماری. ترجمه: علیرضا

Environmental and Landscape Origins:

Stimulus of Rural Tourism Development



Reza Sameh, Ph.D in Architecture, Faculty Member,
Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
rsameh@arc.ikiu.ac.ir

Asieh Sameh, Ph.D Candidate in Architecture, Isfahan
University of Art, Iran.
asiehsameh@aol.com

Abstract | Iran has lots of valuable rural areas. Diversity of these villages and scattering of them based on biological variety, natural setting and cultural characteristics will cause in understanding their themes as potentials for tourism. This study plans how to achieve the appropriate incentive for tourism in rural areas which is in accordance with the real issues of the current thread in a rural environment. In this regard, we tried to primarily introduce the dimensions and capacity of a village in order to somehow justify whether it can be called as a background for visiting and jaunt. In the Following the issue of tourism as a conscious experience in an unconscious environment of village will be introduced with a special character that suggests a new way of dealing with a rural environment,

in this way, attention is paid to make an experience in order to lead The interactive effects of this conflict to the desired consistency in a worthy manner and by allowing the realization of both realities.

This approach emphasizes the importance of the conscious question of the unconscious environmental learning that can be considered as an appropriate response in correspondence with the problems of today.

As a result, it is noted that the experience to a largely decent depends on the understanding the essence of everything that happens in the rural component motifs and understanding the constitutive themes of it.

Keywords | Village, Rural Tourism, Environment, Unconscious Environment.